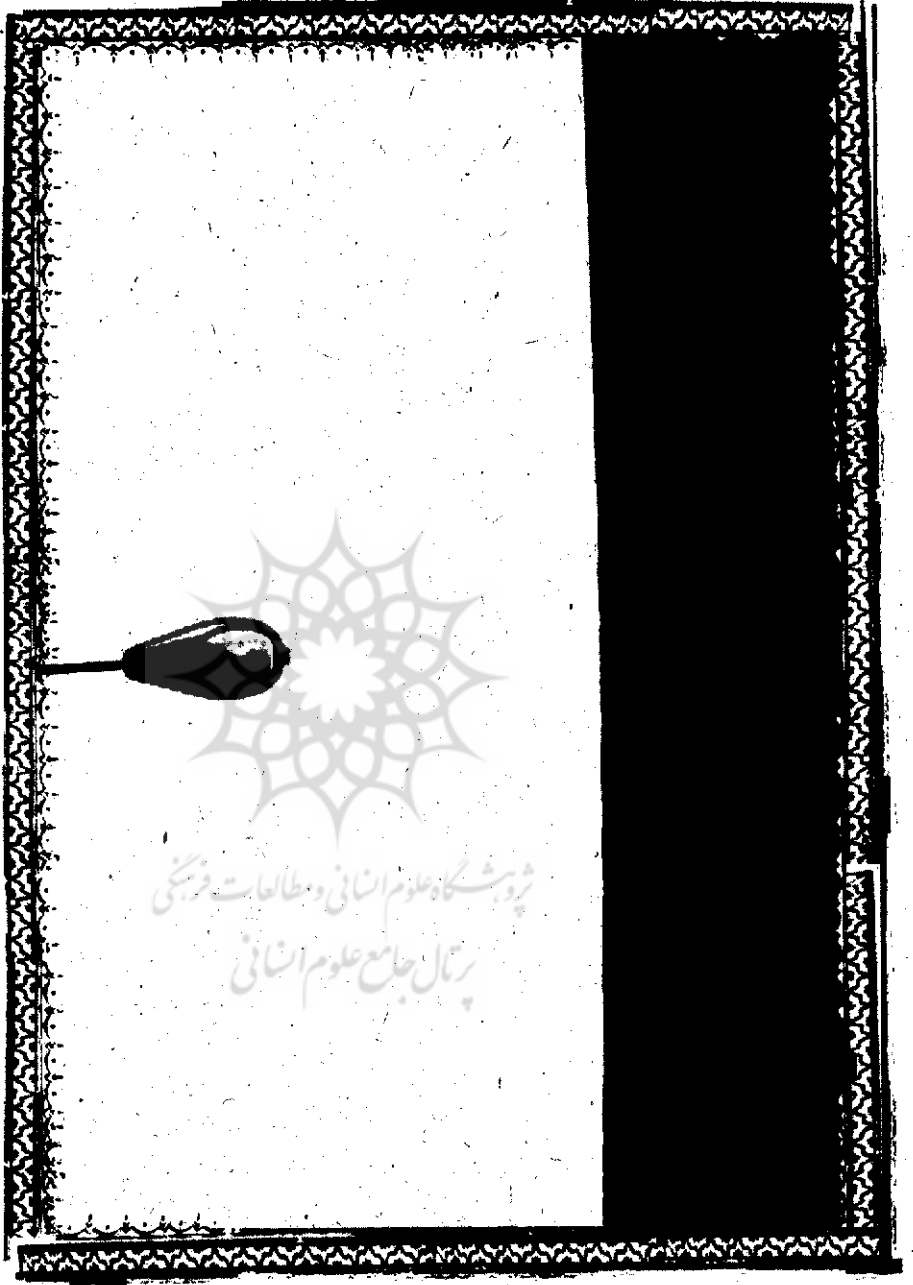


پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

www.

www.  
www.



پروشکاد علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرنال جامع علوم انسانی

# درمیان جمع

به کوشش امیر حسین پیش آهنگ

متولد سال ۱۳۵۲. دانش آموز دبیرستان علامه حلی و دانش آموخته فیزیک، اولین رمان خود به نام *ایرمیا* را در سال ۱۳۷۴ می نویسد. این اثر در جشنواره آثار ۲۰ سال دفاع مقدس برگزیده شد و در اولین دوره جشنواره مهر و دومین جشنواره دفاع مقدس مورد تقدیر قرار گرفت.

دومین رمان او با نام *من/او* سال ۱۳۷۸ به چاپ رسید و چندین جایزه را به خود اختصاص داد. مجموعه داستان *ناصر کرمنی* (۱۳۷۸)، داستان بلند از به (۱۳۸۰)، *سفرنامه داستان سیستان* (۱۳۸۲) و مقاله بلند *تشت نشا* (۱۳۸۴) از دیگر آثار اوست.

وی سردبیر سابق سایت ادبی *لوح* و رییس سابق هیات مدیره *انجمن قلم ایران*، نیز بوده است:  
رضا امیرخانی

۱. در آخرین روزهای سرد سال ۱۳۸۶ جلسه‌ای با نام *ادبیات داستانی در جامعه دینی* برگزار شد که میهمان اصلی آن *رضا امیرخانی* بود. این جلسه که از سوی *انجمن قلم حوزه* و در تالار *انجمن‌های علمی حوزه* علمیه قم برگزار شد از همان دقایق آغازین با استقبالی شگفت از سوی اهالی قلم مواجه گردید؛ چنان که از همان ابتدای جلسه دین صندلی خالی، برای هر تازه واردی تنها یک آرزو بود. *رضا امیرخانی* هم در برابر این استقبال، تاب سکوت نیاورد و اعتراف کرد هرگز انتظار چنین استقبالی را نداشته است.

آن چه در پیش رو دارید چیزی شبیه یک گزارش است از جلسه‌ای که در آن همه سخن گفتند و هیچ کس شنونده محض نبود.

۲. شنیدیم که گفت:

ما در حال ساخت تمدنی مبتنی بر انقلاب اسلامی هستیم و باید بیانیم هر یک از ما سربازی برای ساخت این تمدن هستیم. تا زمانی که تمدنی به اندازه کافی رشد نکند.

رضا امیر خانی

درمیان جمع

۱۱۵-۱۱۴

افرادی هم که در آن تمدن قرار دارند به قدر لازم رشد نخواهند کرد ادبیات انقلاب اسلامی طفلی نوپا و نهالی کم سن و سال است که در ابتدای راه خویش قرار دارد و نمی‌توان از آن انتظار زیادی داشت. داستان انقلاب اسلامی، هم اکنون در حال سعی و خطاست و جریان نقد ما باید مراقب باشد این سعی و خطاها را تحمل کند. به خاطر تفاوت‌های تمنی ما با غرب، ناچاریم این سعی و خطاها را انجام دهیم تا داستان‌هایی ایرانی‌تر بنویسیم و سپس از میان داستان‌هایی که نوشته می‌شوند، جریان نقد ادبیات انقلاب اسلامی هم شکل می‌گیرد.

رضا امیرخانی سپس در ادامه افزود:

البته امروز وضع ادبیات انقلاب اسلامی بسیار خوب و بهتر از سابق است و ما اگر قدر امروز را ندانیم به واقع کفران نعمت کرده‌ایم. امروز وقتی وارد هر کتابخانه یا کتابفروشی می‌شویم کتاب‌هایی از سیدمهدی شجاعی، مصطفی مستور و محمدرضا باقرمی می‌بینیم. سال‌ها برای این اتفاق، خون دل خورده شده است و ما باید از این اعتمادی که مردم به داستان انقلاب اسلامی کرده‌اند، حسن استفاده را کرده و آن را پاس بداریم. بنابراین لازم است به داستان انقلاب اسلامی این فرصت را بدهیم که به دلیل نداشتن پیشینه مانند خوستویسی یا شعر با سعی و خطا راه خودش را پیدا کند. درست مانند اتفاقی که در سینما افتاد و افرادی هم چون ابراهیم حاتمی‌کیا توانستند به نوعی در سینما به آن نزدیک شوند و سینمایی بسازند که با شهود و غیب ما نسبتی داشته باشد. درست مانند کاری که به نوعی شهیدسیدمرتضی آوینی در حوزه مستندسازی به دنبال آن بود و اساساً در پی تصرف قالب بود. صبر و تحمل نقد می‌تواند ما را در ساختن این تمدن و به طور اخص داستان انقلاب اسلامی بسیار کمک کند.

۳. زهره شریعتی، عضو هیات مدیره انجمن قلم حوزه و صاحب چندین اثر در حوزه دفاع مقدس یکی از کسانی بود که در میان جمع سخن گفت:

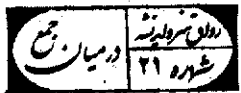
ادبیات متعهد در جامعه دینی تعریف درستی ندارد چرا که متعهد نه در هنر بلکه در وجود هنرمند باید موجود باشد و از طلب، تمرکز، شهود و شعور او مایه گیرد.

عباس علی فروغی، دبیر داخلی انجمن قلم حوزه نیز سخنانی این چنین بیان کرد:

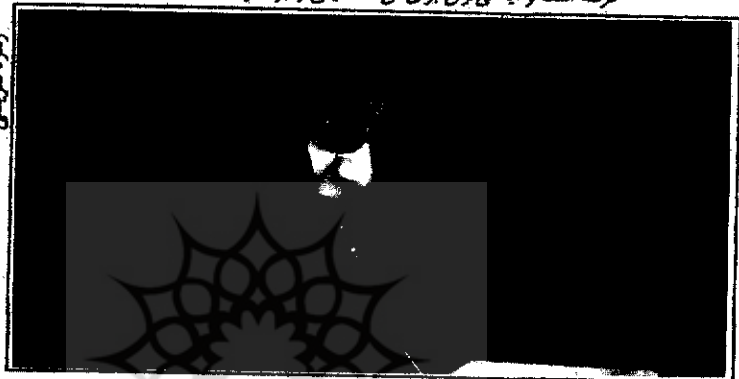
ایا می‌توان ادبیات را همچنان که به لحاظ شکلی دسته‌بندی می‌کنند به لحاظ مضمونی



عباس علی فروغی



هم دست‌بندی کرد و در نتیجه آن ادبیات دینی یا داستان دینی را شکل داد؟ اگر این پدیده را نپذیریم، پرسش این است که آیا ادبیات دینی در حوزهٔ رمان و داستان شکل گرفته است و آیا می‌توان برای آن مصادیقی را برشمرد؟

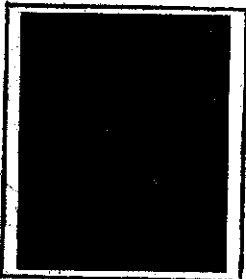


زهره شریعتی ادامه داد:

من هنوز نسبت دین یا ادبیات داستانی را نمی‌فهمم و نمی‌دانم منظور از جامعهٔ دینی همان امت اسلامی است یا شامل جامعه به معنای غربی آن و دین به معنای اعم آن است؟ مؤلفه‌های داستان دینی را در کجا باید جست‌وجو کرد؟

رضا امیرخانی:

ما اصولاً با تقسیم‌بندی داستان حتی به لحاظ مضمونی مشکلی نداریم ولی زمانی به مشکل برمی‌خوریم که می‌خواهیم ادعای جامع و مانع بودن آن تقسیم را بکنیم. خودم برای تعریف داستان دینی، آن را به داستان دینی ظاهری و داستان دینی باطنی تقسیم می‌کنم و به نظرم داستان دینی واقعی آن است که باطن دینی داشته باشد و تأثیرات دینی عمیق در پی داشته باشد؛ حال چه از ظواهر دینی در آن داستان استفاده شده باشد چه استفاده نشده باشد و ظاهری دینی نداشته باشد. داستان دینی داستانی است که تأثیرات عمیق دینی بر مخاطب داشته باشد. چنین داستانی دغدغهٔ دین دارد و باطناً به مقولات دینی هم‌چون ایمان به غیب، گناه و معصیت، ثواب و عقاب و... می‌پردازد. البته



با این نگاه شاید دیگر نتوان در مورد برخی داستان‌ها به راحتی داوری کرد؛ چرا که باید تأثیرات آن اثر را بر روی تک‌تک مخاطبین بررسی نمود و البته هر اثری هر چند مقدس، می‌تواند برخی را هم گمراه کند؛ هم‌چنان‌که قرآن کریم نیز برخی را هدایت و برخی را گمراه می‌کند.

وی در توضیح مولفه‌های ادبیات دینی گفت:

درباره مولفه‌های ادبیات دینی باید بگوییم با توجه به این‌که هنوز در ابتدای راه هستیم پس هنوز هم زود است که بخواهیم این مولفه‌ها را پیدا کنیم. در ضمن در یک روند خلاق مانند هنر یا ادبیات یا تولید علم نمی‌توان مولفه‌ها و چهارچوب‌ها را پیشاپیش تعیین کرد. البته درباره داستان یا رمان ایرانی یک چیز نسبتاً مشخص است و آن این است که جوهر رمان ایرانی با جوهر رمان غرب متفاوت است. رمان غرب بر اساس سنت نمایش‌نامه‌نویسی شکل گرفته است؛ زیرا پیش از آن در یونان، نمایش به عنوان هنر مادر مطرح بوده است؛ بعدها هم کسانی مانند میلان کوندرا مدعی شدند که می‌خواهند رمان را بر جوهر موسیقی دنبال کنند و از سنت‌های نمایش فاصله بگیرند. ولی به نظر من جوهر هنر در ایران شعر است و ما همه به جای شعر، رمان می‌نویسیم. بنابراین شاید بتوانیم مولفه‌های دینی بودن را از نقد شعر که سابقه‌های طولانی در آن داریم به سمت داستان و رمان انتقال دهیم.

۴. مه‌ری حسینی، عضو هیات ریسه انجمن قلم بسیج، گزارشی از ادبیات دفاع مقدس ارائه داد: همیشه افراط و تفریط، رمان دفاع مقدس را تهدید کرده است. گاهی قهرمان‌پردازی‌های غیر واقعی و تصویر پردازی‌های افراق‌آمیز و گاهی هم سیاه‌نمایی‌های افراطی و نگاه یک‌سوتر غیرمنصف، روایت جنگ و دفاع مقدس را در تلاطم نگاه داشته است.



رضا بادی ریاست انجمن قلم جوهر در کنار رضا امیر خانی

رضا امیرخانی:

متأسفانه گاهی ما تصمیم می‌گیریم، یک‌تفری اعتدال را در جامعه برقرار کنیم؛ برای نمونه وقتی می‌بینیم در زمینه دفاع مقدس، سفینمایی زیادی صورت گرفته است و داستان‌های غیرواقعی و کلیشهای بسیاری عرضه شده است ناگهان تصمیم می‌گیریم خودمان مثل ادبیات جنگ را درست کنیم و به همین جهت، داستانی می‌نویسیم که در آن سیاه‌نمایی غیرواقعی می‌کنیم و تلاش می‌کنیم با ایجاد یک مثلث، بگوییم جنگ چیزی میان این دوست؛ این یکی از روش‌های غلط ولی رایج در میان ماست که در برابر افراط، تن به تفریط می‌دهیم. ولی بهترین راه مقابله با افراط، مانند بهترین راه مقابله با تفریط، اعتدال است.

۵. یکی از حاضرین خطاب به رضا امیرخانی:  
ممیزی را چه اندازه جایز می‌دانید؟

جواب، این چنین بود:

همان‌طوری که درباره مواد غذایی انتظار داریم وزارت بهداشت به کنترل و بررسی بپردازد درباره محصولات فرهنگی هم باید این اتفاق بیفتد و در صورت عقلانی آن شکی نیست. ولی آن‌چه جای بحث دارد، نحوه ممیزی است. هر اثری که خلق می‌شود دارای سه مرحله قابل تفکیک از یکدیگر است و به هنگام ممیزی هم باید این مقولات را از هم تفکیک کرد: اولین مرحله نیت خالق اثر است که مسلماً ممیزی در آن ممکن نیست؛ زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند از نیت افراد آگاه است. به نظر من حوزه فعالیت ممیزی در تیبات است نه در فعل و این دو مقوله باید از هم تفکیک شود. تیبات یک نوشته متفاوت از خود نوشته است و با ممیزی در خود فعل یا نوشته، تنها راه سعی و خطا بسته می‌شود. به هر حال تا این‌اها و جاه‌آگاه نباشد، توجید مفصل شکل نمی‌گیرد. از طرفی هم بسیاری از حرف‌ها درست هستند ولی تیبات منفی و خطرناکی دارند. اگر ممیزی به جای پرداختن به تیبات، هم‌چنان به فعل نظر داشته باشد، می‌تواند در چنین مواردی دچار اشتباهات جبران‌ناپذیری شود.

۶. از این پس جلسه به سوی نقد آثار امیرخانی رفت؛ یکی از حضار گفت:

از آثار شما همیشه لنت می‌برم ولی با شخصیت‌های داستان‌هایتان هرگز نتوانستم هم‌ذات‌پنداری کنم. چرا شخصیت‌ها تا این اندازه یا سیاه سیاه هستند یا سفید سفید؟

رضا امیرخانی در پاسخ گفت:

اگر من در جایی سیاه سیاه یا سفید سفید نوشتم، احتمالاً به زندگی، تفکر یا احساس من برمی‌گردد و اگر نخواهم خاکستری هم بنویسم، شاید خاکستری خوبی از آب در نیاید. من تنها می‌توانم قول بدهم زورکی (۱) ننویسم ولی نمی‌توانم قول بدهم خاکستری بنویسم یا ننویسم. برای نمونه درویش مصطفی به خاطر برخی مصححتان‌اندیشی‌ها به این روز دچار

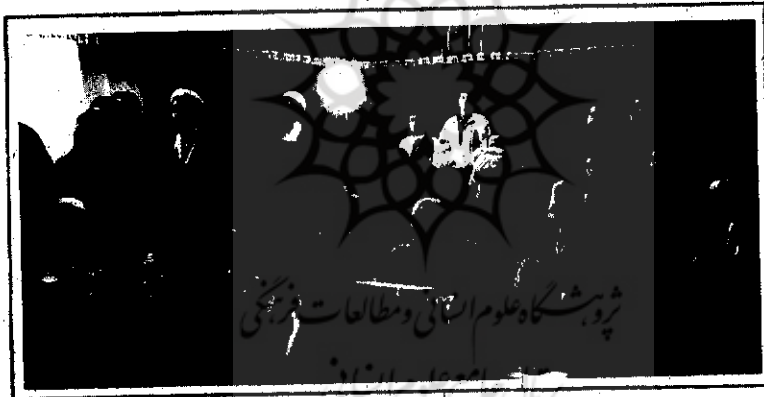
مهری حسینی



شد. درویش مصطفی در واقع روحانی محل بود که من برای دوری از مستقیم‌گویی در مؤلفه‌های انقلابی، لباسش را درآوردم و نام درویش مصطفی به آن دادم. البته این که می‌گویند نباید در داستان دینی به طور مستقیم از نام شهید، روحانی، بسیجی یا ... استفاده کرد، همان قدر اشتباه است که سخن عکس آن اشتباه است. این به نویسنده بستگی دارد که در آن لحظه چه احساسی دارد. اگر این مظاهر، جایی داشته باشند باید بدون دغدغه استفاده شوند و اگر جایی نداشته باشند، اساساً نباید بیایند.

احمدیان، از ویراستاران برجسته، نقی به نوع نگارش کارهای او زد:

چنانویسی‌هایی که امیرخانی در آثارشان دنبال می‌کنند یک خلاف عادت است. آیا مخاطب درخانی که با رسم الخط ویژه امیرخانی درگیر است می‌تواند با معنا و مضمون اثر ارتباط برقرار کند؟



رضا امیرخانی:

همه کسانی که با ادبیات فارسی کار می‌کنند، فارغ از کارشان یک وظیفه مهم‌تری دارند و آن پاسداری از زبان فارسی است که به دلیل سختی واژه‌سازی در آن، شدیداً مورد تهدید قرار گرفته است؛ به خاطر آن که ما امروز در کانون تولید علم نیستیم؛ بزرگ‌ترین مشکل زبان فارسی ساخت واژگان جدید است. اساتید می‌دانند که در زبان فارسی، واژه ساخته نمی‌شود مگر با ترکیبی از پیشونده، بن فعل و پسوند. یعنی به نظر می‌آید تنها راه

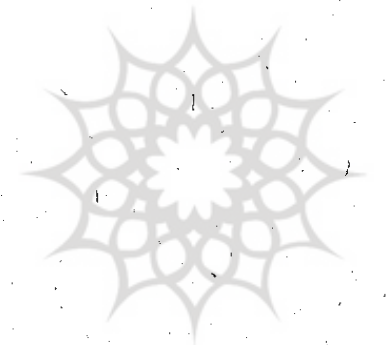


احمدیان



ما، ساخت لغات مرکب جدید است. برای این مهم نیاز داریم توجه بیشتری به پسوندها و پیشوندها و اجزای بن فعل داشته باشیم. این چنانویسی‌ها تنها برای توجه دادن به این اجزاست تا شاید توان واژه‌سازی را بالا ببریم.

۷. در پایان جلسه رضا امیرخانی به دفتر انجمن قلم حوزه در ساختمان انجمن‌های علمی حوزه رفت و در آن‌جا به عضویت افتخاری انجمن قلم حوزه درآمد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی